

غزل شماره ۴۰۹

ای خونهای نافه چین خاک راه تو

خورشید سایه پرور طرف کلاه تو

نرگس کرشمه می برد از حد برون خرام

ای من فدای شیوه چشم سیاه تو

خونم بخور که بیچ ملک با چنان جمال

از دل نیایش که نویسد گناه تو

آرام و خواب خلق جهان را سبب تویی
زان شد کنار دیده و دل نکیه گاه تو

با هر ستاره ای سرو کار است هر شبنم
از حسرت فروغ رخ بچو ماه تو

یاران همشین همه از هم جدا شدند
ماییم و آستانه دولت پناه تو

حافظ طمع مبرز عنایت که عاقبت
آتش زنده خرمین غم دود آه تو

تفسیر فال

از سر جنگ برخواسته‌اید و در حال نبرد با خوبی‌ها هستید. اکنون زمان آن رسیده است که از این مسیر پرخطر و پر تنش بازگردید. شما مرد جنگ و خونریزی نیستید؛ در واقع، درون شما مملو از آرامش و آشتی است که به عنوان یک منبع الهام برای دیگران عمل می‌کند. بسیاری از افراد به شما نگاه می‌کنند و از روحیه صلح‌طلب شما تقلید می‌کنند. در دل خود حسرتی نهفته دارید، حسرت بازگشت به روزهایی که همه در کنار یکدیگر بودند و لحظاتی را با هم سپری می‌کردند. هدف نهایی شما بسیار نزدیک است؛ تنها کافیست کمی صبر کنید تا بتوانید آنچه را که آرزو دارید، محقق سازید. این مسیر نیازمند حوصله و تحمل است، اما مطمئن باشید که ثمره آن شیرین خواهد بود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)